

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

رکسانا تالارمی  
۰۶ اپریل ۲۰۱۷

## در رابطه مناظره "بهرام رحانی" و "شاهین نجفی"

دیالوگ به موقع و خوبی بود. به خصوص با محوریترین نکات مشترک این دیالوگ که آن هم رد دولت‌ها و خواهان جامعه‌ای که انسان‌ها سرنوشت خود را بدون دولت‌ها رقم بزنند که از سوی هر دو مناظره کننده به خوبی مطرح شد. اگر درست فهمیده باشم آنچه که موضوع اختلاف نظر در این بحث بود انتقاد درست بهرام رحمانی به شاهین نجفی این است که به کشوری رفته و در کنسرتی خوانده است که دولت اشغالگر و سرکوبگری سرزمینی را اشغال کرده و او از کشتار مردم فلسطین و اشغال این سرزمین سخنی به اعتراض به میان نیاورده است و فقط از صلح حرف زده و خوانده است و شاهین نجفی با استناد به این که همه دولت‌ها سرکوبگر و تجاوزگراند تلاش بر این داشته است که عدم اعتراض خود را به گونه‌ای توجیه کند اما من هم با موضع رد همه دولت‌ها مانند بهرام و شاهین، ولی با نظر بهرام عزیز بیشتر همراهم که گفته است ما دولت بد و دولت بدتر داریم گرچه درست است که دولت سرکوبگر و دولت اشغالگر در ذات خود یکی هستند اما نحوه برخورد ما با دولتی زمانی که مورد تحریم از سوی آزادیخواهان جهانی قرار می‌گیرد متفاوت می‌شود و یکی نمی‌تواند باشد اما حال اگر با تفکر شاهین نجفی که دولتی بر دولت دیگر ترجیح ندارد و همه دولت‌ها سرکوبگر و اشغال گراند به این اقدام او بنگریم باز هم صورت مسأله عوض نمی‌شود که چرا شاهین نجفی به دولت اسرائیل و کشتارش هیچ اعتراضی نکرده است!!!؟؟ به نظر من مقوله فقط از صلح خواندن تا اعتراض کردن بسیار از هم فاصله دارد و متفاوت است.

دیگر این که به شاهین نجفی، انتقاد جدی دیگری که وارد است نحوه برخورد و واکنش اوست که این گونه با زبان تند و تحقیر با مخالفان حضورش در اسرائیل برخورد کرده است!!! در کجای فلسفه آنارشیسم این آمده است که یک آنارشیست از انسان‌هایی که زبان کشوری را نمی‌دانند با زبان تحقیر حرف بزند که شاهین گفته است اول بروید زبان کشوری که در آن زندگی می‌کنید را یاد بگیرید و بعد بیانید انتقاد کنید یاد می‌آید این حرف را یک رهبر سیاسی دست راستی در کشور سویدن یک بار زد و مورد سرزنش و انتقاد از سوی چپ و حتی راست و هر آزادیخواهی قرار گرفت و مجبور به معذرت خواهی شد. البته این مسأله در مصاحبه دیگری بود نه در این مناظره مورد بحث. آن وقت شاهین یک هنرمند شورشی به جای آن که به همفکران سیاسی و مخاطبان هنری و یا منتقدان خود گوش دهد که چه می‌گویند و چرا به او معترض اند، خارج کشوری‌ها و یا پناهندگان را برای زبان ندانستن‌شان سرزنش و تحقیر می‌کند!!! یک هنرمند معترض سیاسی باید به خوبی بداند که این طرز صحبت با مردم صحیح نیست که در صفحات مجازی‌اش

متأسفانه در مورد یادگیری زبان منتقدان خود نوشته است که موجب حیرت برخی از طرفداران و هم اندیشان او هم شده است.

دیگر آن‌که در همین دیالوگ هم زبان توهین را به کار می‌برد از طرفی از واژه‌های صمیمی عزیز و جان و شریف برای بهرام استفاده می‌کند و از سوئی به‌طور مثال با توهین‌هایی وحشتناک چون نظرات شما با نظرات اسلامی‌ها یکی است... که در واقع بدترین توهین و فحش به يك فرد سياسي است را می‌دهد که به گفته خودش به اندازه سن او سابقه فعالیت سیاسی دارد و در مخالفت با جمهوری اسلامی قلم زده و کتاب نوشته است این برخورد در واقع نقطه ضعف شاهین را در این دیالوگ می‌رساند و همچنین شتاب‌زده برخورد کردن او را با مخالفان خود که چشم بسته همه را به يك چوب راندن و هم صف کردن... که این در واقع روشی سنتی و قدیمی است و شاهین که خود را منتقد این فرهنگ سنتی می‌داند نشان می‌دهد که نه تنها از این سنت افتراء فاصله نگرفته، بلکه در دام این فرهنگ می‌افتد که این نگاه و این‌گونه برخورد در واقع نشان از آن دارد که تحمل هیچ انتقادی را ندارد و خود را در رأس يك هیرارشی قدرتی می‌بیند که بری از هر گونه انتقاد است و این حس خوبی را حتی در بین هم‌نظران فکری او که ضد هرگونه قدرتی هستند ایجاد نمی‌کند...

در همین دیالوگ باز هم در جای دیگر می‌گوید که این نظرات تحت تأثیر چپ‌ها و «جوجه کمونیست‌هاست» و افکار قدیمی‌ست و باز این تاخت و تاز کردن هم يك سبک سنتی و قدیمی ست آنچه که ناروا به آن‌ها نسبت می‌دهد در واقع این خودش است که از ابزار سرکوب «تحقیر زبانی» متأسفانه استفاده می‌کند... و سؤال این‌جاست که چرا شاهین نجفی موضوعات و اختلافات شخصی خود را با برخی از همکاران و همراهان سابق خود «شرنامه» را به موضوع عمومی بدل می‌کند و این دشمنی یا اختلاف‌نظر را «جمعی» می‌کند؟! که این رفتار بسیار جای انتقاد دارد و آن وقت چگونه همین شاهین اصرار بر آن دارد که موضوع «مفاهیم» را باز کند؟! که چندین بار در این دیالوگ به آن اشاره کرده است که خود را در گیر واژه‌ها نکنیم و مفهوم را در کنسپت خود تحلیل کنیم که واقعاً هم موضوع مهمی‌ست و چه خوب که این‌کار را بکند و به آن بپردازد و دست به روش توهین و تحقیر نزنند که شایسته يك هنرمند شورشی معترض نیست. به‌نظر من این واکنش‌ها کدهای نادرستی است که به نام يك هنرمند شورشی ضدولتی به مردم و مخاطبان خود می‌دهد که يك هنرمند معترض شورشی، به جای اعتراض کردن از برای صلح می‌خواند که يك هنرمند شورشی تاب و تحمل شنیدن انتقاد را ندارد و متوسل به فرهنگ تحقیر و توهین می‌شود.